

لومر و ضبط صفحه در ایران

مقدمه



بی تردید "آلفرد ژان باتیست لومر" (۱۹۰۹-۱۸۴۲) یکی از موثرترین چهره‌هایی است که نقش اساسی در ورود موسیقی غربی به ایران داشته‌اند. در دوره طولانی مسئولیت لومر به عنوان "موزیکانچی باشی" که منجر به سازماندهی موسیقی نظامی شد، علاوه بر معرفی و آموزش سازهای فرنگی، اولین نسل از چهره‌های موسیقی ایران، تربیت و دسته‌های گوناگون موسیقی نظامی ایجاد شدند و از سوی دیگر با انتشار آثاری مکتوب، گام‌هایی برای معرفی موسیقی ایرانی در اروپا برداشته شد. از آنجاکه موارد یاد شده به تفصیل در منابع گوناگون (تاریخ

موسیقی نظامی ایران اثر حسین ملاح، سرگذشت موسیقی ایران اثر روح الله خالقی، نگاه به غرب اثر محمد رضا درویشی، پژوهشی در موسیقی و سازهای نظامی دوره قاجار اثر علی بلوکباشی و یحیی شهیدی و...) مورد توجه و بررسی قرار گرفته است، در این مقاله تنها به "نقش و تاثیر لومر در ضبط صفحه‌های فارسی" خواهیم پرداخت.

لومر و کمپانی گرامافون

هنگامی که کمپانی گرامافون در سال ۱۲۸۴ شمسی (۱۹۰۶ میلادی) در صدد برآمد برای اولین بار اقدام به ضبط صفحه در تهران نماید، به دنبال یافتن واسطه‌هایی بود که بتوانند چهره‌های محبوب و هنرمندانی را که ضبط آثار آنها با استقبال و فروش خوب مواجه شود، یافته و آنها را برای ضبط آثار صوتی راضی نمایند. این ایام مصادف با اواخر همان دوره‌ای است که مخبرالسلطنه هدایت از آن به دوره "تجارت کردن" لومر یاد می‌کند و در خاطرات روز دوشنبه هفتم جمادی الاول سال ۱۳۱۳ قمری از ماههای آغازین برتخت نشستن مظفرالدین شاه، می‌نویسد:

"لومر موزیکانچی که موزیکانچیگری را ترک کرده، سالی سه چهارهزار تومان از دولت جیره و مواجب می‌گیرد و برای خود تجارت می‌کند."

به استناد گزارش "ماکسیم پیک" که نماینده کمپانی گرامافون و مدیر برنامه ضبط در تهران بوده است، قراردادی به مبلغ ۵۰۰۰ فرانک فرانسه با لومر منعقد می‌گردد که علیرغم عدم انجام تعهدات توسط لومر، این مبلغ را به وی پرداخت می‌نمایند. این گزارش تاییدی بر مدعای ده سال قبل

مخبرالسلطنه در تجارت و به عبارت بهتر دلالی کردن لومر در آخرین سال عمر مظفرالدین شاه است. ترجمه گزارش مذکور به نقل از کتاب "گنج سوخته" (صص ۶۹-۷۱) اثر دکتر فرهنگ رجایی بدین شرح است:

"من ترتیب ملاقاتی باژنرال لومر، مسئول موسیقی نظام ایران (سازنده سرود ملی) را داده ام تا ایشان موسیقیدانان درباری و بهترین ارکستر خود - ساز تنها و گروههای نوازندگان - و بهترین خوانندگان و نوازندگان در تهران را به ما معرفی نماید. همچنین قرار است یک چراغ، مکان و محل مجانی برای ضبط، ملاقات با شاه و غیره را ترتیب دهد و در مجموع در مقابل ۵۰۰۰ فرانک و یک درصد از درآمدهای حاصله از معاملات را دریافت دارد. ژنرال از امضای قرارداد خودداری نمود و گفت که حرف او کافی است. قرار بود ۲۰۰ صفحه آواز، ۲۰۰ صفحه کنسرت و مقداری صفحات کوچک ضبط نمایم.

وقتی برادران هامپه وارد شدند، اجازه شاه برای خوانندگان، که وعده آنها هرروزه داده می شد، هنوز صادر نشده بود. به من گفته شد که شاگرد ژنرال لومر (ناصر همایون که پرده دار شاه است) اجازه شفاهی شاه را گرفته است. به هر حال، ما وسایل و ابزارهای خود را به دانشکده موسیقی دربار منتقل کردیم و وسایل کار را آماده نمودیم. پس از آنکه صفحاتی از قطعات ارکستری موجود را ضبط کردیم، مشکلاتی بروز نمود. تنها تعداد کمی از خوانندگان خوب شرکت کردند و لهذا سرعت کار بسیار کند شد. ما شنیدیم که ژنرال نمی خواست به خوانندگان دستمزدی بپردازد و از او خواستیم که اگر می خواهد، پول در اختیارش قرار دهیم و او مغرورانه نپذیرفت. او وعده های تازه می داد ولی به فرستادن خوانندگان متوسط ادامه داد و همکاری خود را با کار ضبط، علیرغم توافق اولیه اش، کم کرد. بعد هم مریض شد. در این موقع او درخواست قرارداد کتبی نمود، اما من دریافتم که او به سختی قادر است خوانندگان و نوازندگان را راضی نماید. به همین دلیل و همچنین به دلیل وعده های نسیه اش، با او قراردادی منعقد نکردم.

تفصیل مشکلات و پیچیدگیهایی که بروز نمود و توطئه هایی که باعث می شد به رختخواب بیماری برود، احتیاج به فرصتی مناسب دارد. او کوشید بدون هیچ دلیل و مجوزی به دستگاہهای ما حمله کند و آنها را مصادره نماید. همکاران او، پرده دار دربار و دیگرانی که برای بدست آوردن پول کله ملاغ (اصطلاح عامیانه برای عبارت کالمعلق که در ترجمه استفاده شده است - ا.م.) می زدند، زحماتی درست کردند تا بتوانند پولی به چنگ آورند. من رابطه ام را با او کاملاً قطع کردم و از طریق کاردار فرانسه به میانجیگری نمایندگی آمریکا، ادعایش را تماماً پرداخت نمودم. ادعای او براساس ۵۰۰۰ فرانکی بود که بطور شفاهی مورد توافق قرار گرفته بود. البته هیچ ادعایی نسبت به یک درصد نمود و هیچ حقی هم به آن نداشت. او برای ضبط شش صفحه، بیشتر از مبلغی گرفت که ما از فروش آنها بدست آوردیم و تازه این صفحات خراب بودند، در حالی که او فکر می کرد خوب هستند. او دیگر هیچ ادعایی نسبت به ما ندارد. هیئت نمایندگی در ایران مسئله را حل و فصل نموده است."

در صفحه ۷۲ نیز آمده است:

"قبل از اینکه نهایتاً با لومر رابطه ام را قطع کنم، آقایان هامپه را به کنار تخت لومر بردم تا برای عمل خود شاهد داشته باشم. از آن پس، وقتی با تک تک خوانندگان برنامه ای ترتیب می دادم، آنها حضور داشتند. . ."

در بحث نمایندگی فروش در ایران نیز در گزارش ماکسیم پیک (صفحه ۷۶) آمده است:

"من دلایلی دارم مبنی بر اینکه زرنال لومر علاقمند بود نمایندگی گرامافون را برای خودش، با حمایت بانک دولتی روسیه اخذ کند. . . معهذا من این عمل را مغایر با منافع شرکت می دانم که سفارشی را با ضمانت بانک از کسی قبول کند و مطمئن نباشد که تعهد کننده از انجام کار برمی آید و در آن پیشرفت می کند. احتمال این هست که شخص ناکاری موجب شود کالاها در انبار بانک بماند و بانک هم سودی با نرخ ۱۲٪ به کالا ببندد و در نهایت برای تامین منفعت خویش، کالا را به حراج می گذارد. روش من این بود که از بانک روس کاملا کناره گیری کنم."

تاثیر لومر در ضبط صفحه ها



دیسکوگرافی ضبط شده های سال ۱۲۸۴ شمسی گویای آن است که اولین صفحه های ۷ و ۱۰ اینچی ضبط شده در تهران، حداقل ۲۵ صفحه است که توسط دسته های موسیقی نظامی نظیر "دسته اعتضادیه" و ارکس شاهی" و چهره هایی چون ابراهیم خان یاور و قلیخان یاور اجرا شده که عملا شاگردان و دسته های ایجاد شده توسط لومر بوده اند. این آثار بی تردید با معرفی اولیه لومر ضبط شده و چند اثر بعدی نیز آثاری از "حسن خان کماجی" است که قطعا هنرمند طراز اولی در آن ایام نبوده است و بعید نیست که ضبط این آثار،

مصادق آن بخش از گزارش "ماکسیم پیک" می باشد که به ضبط شش صفحه و معرفی هنرمندان درجه چندم اشاره دارد و احتمالا برای پرداخت دستمزد کم، چنین انتخاب هایی صورت گرفته است. باتوجه به سایر مطالب مندرج در گزارش "ماکسیم پیک" و اشاره به طولانی شدن زمان ضبطهای اولیه و مساله بیماری لومر و تغییر نوع و سطح هنرمندان در آثار بعدی و فعال شدن سایر کانالهای ارتباطی نمایندگان کمپانی گرامافون با هنرمندان ایرانی، از این مقطع به بعد ارتباط لومر با موضوع ضبط صفحه قطع می شود و نقش و تاثیر هنرمندان دسته شاهی به ویژه "علی اکبرخان شاهی" در امر ضبط صفحه بیشتر و پررنگ تر می گردد تا آنجا که آقاحسینقلی به صحنه ضبط صفحه می آید.

یادآور می شود "دسته شاهی" گروهی از هنرمندان مرتبط با دربار بوده که پسوند "شاهی" را به دنبال نام خویش داشته اند و مهمترین ایشان، علی اکبر خان شاهی، قربان خان شاهی، قلیخان شاهی، آقا حسین تعزیه خوان شاهی و . . . بوده اند که با "ارکس شاهی" که ارکستری نظامی بوده، کاملا متفاوت بوده است.

ضبط آثار لومر

در بین صفحه های ۲۵ سانتیمتری ضبط شده در سال ۱۲۸۴ شمسی در تهران توسط کمپانی گرامافون، صفحه 10361 دارای شماره قالب 854r وجود دارد که عنوان "سلام شاه با سلامتی ارکس شاهی بفرمان مسیو لمر ژنرال" روی برجسب آن نوشته شده است. این صفحه یکی از مشهورترین قطعاتی است که توسط لومر ساخته شده و با اجرای "ارکس شاهی" ضبط گردیده است و به عبارتی اولین سرود ملی ایران به حساب می آید و آن را در سلام های رسمی شاه می نواخته اند.

عین متن لیبل صفحه

G.C.10361

سلام شاه با سلامتی

ارکس شاهی بفرمان مسیو لمر ژنرال

Par la musique particulière de S. M. Le Chah, dirigé par
l'auteur, le Général A. Lemaire

درمورد اینکه کدامیک از صفحه های ضبط شده توسط ارکس شاهی و دسته اعتضادیه توسط لومر ساخته شده، اطلاعات دقیقی در دست نیست و از نوشته روی لیبلها نیز بجز مورد یادشده، اطلاع بیشتری کسب نمی شود.

صفحه های ضبط شده توسط گارد جمهوری فرانسه

در سال ۱۹۰۶ میلادی، کمپانی آلمانی "بکا رکورد" در مجموعه معرفی آثاری از موسیقی مشرق زمین، سه صفحه یک طرفه با لیبل "Disque 'Ideal' Symphonie" از موسیقی ایرانی با شماره های G2950/1/2 که توسط "گارد جمهوری" فرانسه اجرا شده، ضبط و منتشر می نماید. مایکل کنییر بدون ذکر مأخذ گزارش می کند که سفیر ایران در فرانسه گوینده این سه صفحه بوده است. اما با توجه به اینکه صفحه های فوق را دسته موسیقی گارد جمهوری فرانسه اجرا کرده اند احتمالاً سفیر ایران قطعات را در اختیار کمپانی قرار داده باشد. یا اینکه نظر به سابقه لومر در انتشار نت قطعاتی از موسیقی ایرانی در فرانسه و رابطه سازمانی وی با دسته موسیقی گارد جمهوری - که خود از صاحب منصبان آن بوده - این احتمال وجود دارد که ضبط این سه قطعه با انتخاب و مساعدت وی در نوشتن و ارسال نت قطعات، صورت گرفته باشد.

لومر و سایر ضبطهای فارسی در عصر قاجار

تا سال ۱۹۰۹ میلادی که تاریخ فوت لومر می باشد دو نوبت ضبط فارسی در پاریس در سال ۱۹۰۷ و در لندن در سال ۱۹۰۹ میلادی صورت گرفته است که مدرکی دال بر دخالت لومر در آنها، تا به امروز، مشاهده نشده است و محتملاً شرایط سنی و سلامتی وی نیز اجازه چنین نقش آفرینی ها را از وی سلب کرده باشد.